

## تحلیل تداوم زمانی در رمان حرب الکلثانیة

فاطمه اکبری‌زاده\*<sup>۱</sup>، رقیه رستم پورملکی<sup>۲</sup>، مونا نعیمی<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹)

### چکیده

رمان برگزیده حرب الکلثانیة، اثر ابراهیم نصرالله، داستانی تخیلی است که نویسنده در آن حکومت‌های دیکتاتور و جنگ‌طلبی قدرت‌های جهانی را نقد کرده است. زمان و مکان در این رمان نامشخص و مبهم است و پرش‌های زمانی بسیاری که از حال به گذشته و آینده وجود دارد، باعث شده عنصر زمان و سرعت روایت در این رمان اهمیت بسیاری در نقل حوادث داستان داشته باشد. این پژوهش می‌کوشد با شیوه توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه ژرار ژنت در مورد زمان، به بررسی تداوم زمانی و اندازه‌گیری سرعت روایت این رمان پردازد و عوامل مؤثر بر سرعت و شتاب روایت را تحلیل کند. براساس یافته‌های پژوهش، تداوم و نظم خطی روایت با دخل و تصرف نویسنده در زمان روایت از بین رفته و این باعث تغییر سرعت روایت رمان شده است. به نظر می‌رسد سرعت کلی روایت مثبت است؛ زیرا گستره زمانی بسیار وسیع و نامشخصی را از جنگ اول سگ تا جنگ دوم سگ و همچنین جنگ سوم که در حال شروع است، دربرمی‌گیرد. رمان با استفاده از حذف، فشرده‌سازی و آینده‌نگری بر سرعت روایت می‌افزاید. گاهی با عنصر گفت‌وگو سرعت روایت کند می‌شود تا زوایای پنهان

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

\* f.akbarizadeh@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

و خاکستری شخصیت‌های داستان ترسیم گردد. همچنین برای حفظ کشش داستانی رمان و حجم دادن به جهان درونی داستان و ایجاد فضاها و صحنه‌های متنوع، از سرعت روایت در برخی از فصل‌های داستان کاسته می‌شود و با استفاده از مکث توصیفی، گذشته‌نگری و اپیزود در سرعت روایت وقفه ایجاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** ابراهیم نصرالله، حرب‌الکلب‌الثانیه، رمان معاصر عربی، زمان روایت.

### ۱. مقدمه

انسان در طول زمان زندگی می‌کند و زمان ظرفی است که رویدادهایی را دربرمی‌گیرد که با زندگی انسان ارتباط دارند. زمان فرایندی است که همیشه درحال استمرار است و در امتداد این زمان برای انسان احساسات و حالات متفاوت و متنوعی از غم و شادی، خشم و آرامش رخ می‌دهد؛ پس زمان نقش مهمی در زندگی انسان دارد. در انواع ادبی، به‌ویژه ادبیات داستانی و رمان، زمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا بستر اتفاقات گوناگونی است که بازتابی از جهان بیرونی است و معنا و مفهوم داستان با این حوادث شکل خاصی به خود می‌گیرد. زمان در کنار دیگر عناصر داستان نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد روایت دارد و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت و در رمان از آن استفاده نکرد؛ زیرا سرگذشت شخصیت‌ها، گفت‌وگوها و رفتارها در زمان رخ می‌دهد. هر زمانی نقطه‌آغازی دارد که با رویداد خاصی همراه است که به‌شکلی مبهم ارائه می‌شود و نویسنده با وارد کردن شخصیت‌ها و توصیف حرکات و کنش‌هایشان که در مجرای زمان خاصی رخ می‌دهد، به‌تدریج از ابهام آن می‌کاهد و آن را به یک پایان می‌رساند که در آن نتیجه مجموعه حوادث داستان و رابطه علی میان آن‌ها بازگو می‌شود. اما از آنجا که زمان واقعی با زمان روایت تفاوت دارد، نویسنده می‌تواند با دخل و تصرف در زمان روایت آن را پس‌وپیش کند و از زمان حال به گذشته و آینده انتقال دهد؛ ولی در زمان تقویمی حوادث در بستر زمانی منظم و پشت‌سرهم اتفاق می‌افتد و نمی‌توان در آن گسست ایجاد کرد. بنابراین مفهوم زمان در روایت جنبه

دیگری به خود می‌گیرد و نویسنده با تغییر آهنگ و سرعت روایت و جابه‌جایی‌های زمانی، پی‌رنگ داستان را مشوش و نامنظم می‌سازد. بر این اساس، نقش زمان در روایت پژوهی بسیار تعیین‌کننده است. نویسندگان نوگرای ادبیات عربی نیز به تکنیک‌ها و شیوه‌های روایت جدید توجه کرده و با استفاده متفاوت از عنصر زمان، سبک بیانی متمایز و تازه‌ای را پدید آورده‌اند.

از میان رمان‌های عربی معاصر که فراخور پژوهش تکنیک‌های روایی باشد، رمان برگزیده جایزه بوکر عربی با عنوان حرب الکلّب الثانیة است که از رمان‌های پست‌مدرن مشهور ادبیات عربی به‌شمار می‌رود. نویسنده با تلفیق شیوه‌های روایت جدید از جمله جریان سیال ذهن و به‌کارگیری مؤلفه‌های پست‌مدرن، سبک ادبی خاص و متمایزی را پدید آورده و با استفاده از عناصر داستان، به‌ویژه عنصر زمان، حوادث داستان را به‌شکلی دیگرگون از شیوه‌های قدیمی روایت نقل کرده و با دخل و تصرف در زمان روایت و شتاب روایت، اهمیت این عنصر را در فرایند روایت داستان نشان داده است. این جستار براساس نظریه ژنت می‌کوشد به بررسی بحث تداوم و دیرش در رمان حرب الکلّب الثانیة بپردازد و عوامل مؤثر بر تغییر شتاب روایت در این رمان را واکاوی کند.

پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- اثر شتاب بر فرایند کلی رمان حرب الکلّب الثانیة چیست؟

- شتاب چه عنصر معنایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

- شتاب چه معناهایی را خلق و چه معناهایی را حذف می‌کند؟

#### ۱-۱. پیشینه تحقیق

درمورد نظریه ژنت<sup>۱</sup> مقالات بسیاری نوشته شده که در اینجا فقط به پژوهش‌های مرتبط با موضوع داستان اشاره می‌کنیم:

صالحی در مقاله «نگرش تحلیلی بر سرعت روایت در رمان‌های جای خالی سلوچ و موسم الهجرة إلى الشمال با تکیه بر نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت» (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی سرعت روایت در این دو رمان می‌پردازد و نوع شتاب روایت آن‌ها را مشخص می‌کند و عوامل مؤثر بر شتاب روایت در این دو رمان را حذف یا گزینش، زمان‌پریشی از نوع آینده‌نگر، درنگ توصیفی، شتاب منفی، افزودن اپیزود، عمل ذهنی و زمان‌پریشی از نوع گذشته‌نگر برمی‌شمارد. رسول‌نژاد و دیگران در تحقیقی با عنوان «بررسی سرعت روایت در رمان 'المصایح الزرق' حنمینه» (۱۳۹۶) ضمن واکاوی تداوم در این رمان، عوامل مؤثر بر تغییر نوع شتاب و سرعت روایت را تحلیل می‌کنند. نویسندگان نشان می‌دهند نویسنده در بخش‌های مختلف رمان، با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی مثل حذف و تلخیص سرعت روایت را افزایش داده و با به‌کارگیری درنگ توصیفی و گفت‌وگو، از سرعت روایت کاسته است. سوسونی و دیگران در جستاری با عنوان «زمان روایی و کارکرد آن در فرایند تولید درون‌مایه داستان کوتاه 'الخطوبه' اثر بهاء طاهر» (۱۳۹۷) بر کارکردهای زمان روایی و نقش آن در شکل‌گیری درون‌مایه تمرکز کرده و عوامل مؤثر بر سرعت روایت همچون مکث توصیفی، فشرده‌سازی و زمان‌پریشی را در این رمان نقد و واکاوی و تأثیر آن‌ها را در ساخت درون‌مایه داستان بیان کرده‌اند. روشنفکر و آذرنیا در جستار «الزمن الروائی فی رواية 'رماد الشرق' لواسینی الأعرج» (۱۳۹۶) به تحلیل زمان روایی و زمان تقویمی در این رمان پرداخته و تغییر آهنگ و سرعت روایت را در این داستان تحلیل کرده و عوامل کُند شدن سرعت روایت در این رمان را مکث توصیفی و مونولوگ و تکنیک‌های بالا بردن سرعت حذف و فشرده‌گویی دانسته‌اند. همچنین از نقش زمان‌پریشی در فرایند روایت این داستان سخن گفته‌اند. حسن‌پور در مقاله «الگوهای برای بررسی سرعت روایت» (۱۳۹۶) با دیدگاهی انتقادی به بررسی ضعف‌ها و قوت‌های نظریه ژرار ژنت می‌پردازد و الگوهای افزون بر الگوی ژنت برای اندازه‌گیری سرعت روایت داستان ارائه می‌دهد.

در مورد آثار دیگر ابراهیم نصرالله مقالات و پژوهش‌های بسیاری نگاشته شده است. در ادامه به برخی از تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر اشاره می‌کنیم: جوادى در مقاله «شیوه‌های روایی در آثار داستانی ابراهیم نصرالله» (۱۳۸۹) به بررسی شیوه‌های روایت، از جمله جریان سیال ذهن، تک‌گویی درونی، تداعی آزاد و رئالیسم جادویی، در شماری از رمان‌های نصرالله می‌پردازد و موفقیت نویسنده در به‌کارگیری چنین شگردهای روایتی را نقد و بررسی می‌کند. عبدی در «روایت‌شناسی رمان طفل الممحاة اثر ابراهیم نصرالله» (۱۳۹۱) عناصر داستان، به‌ویژه شخصیت، زاویه دید، کانون‌سازی، مکان و زمان، را ارزیابی می‌کند و در بخش زمان، از دو مبحث نظم و ترتیب و گذشته‌نگری و آینده‌نگری و همچنین بسامد سخن می‌گوید. احمد مرشد در کتاب *البنية والدلالة في روايات ابراهیم نصرالله* (۲۰۰۵) بر مبنای نظریه ژنت، عنصر زمان و عوامل مؤثر بر سرعت روایت، به‌ویژه گذشته‌نگری، آینده‌نگری و حذف، را در برخی از آثار نصرالله بررسی کرده است.

بنابراین تفاوت اساسی این پژوهش با سایر تحقیقات در این است که این جستار نخستین پژوهش مستقلی است که به بررسی سرعت روایت می‌پردازد و تأثیر عوامل کاهش‌دهنده و افزایش‌دهنده سرعت روایت را در فرایند نظم و ترتیب زمانی این رمان بررسی می‌کند؛ درحالی که پژوهش‌های پیشین یا به بررسی عنصر زمان براساس نظریه ژنت در آثار دیگر نویسندگان عرب پرداخته‌اند یا درباره موضوعات مختلف به‌ویژه شیوه‌های روایت و کارکردهای عناصر داستان در دیگر آثار ابراهیم نصرالله سخن گفته‌اند.

## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. زمان روایی در نظریه ژنت

اساس و شالوده هر روایت به‌تصویر کشیدن رخدادها در قالب زمان است؛ پس داستان نقل حوادث به‌ترتیب توالی زمانی است (فورستر، ۱۳۶۹: ۶۶؛ جاهدجاه و رضایی،

۱۳۹۰: ۲۸). یکی از معروف‌ترین و پرکاربردترین نظریات در زمینه بررسی زمان در روایت، نظریه ژرار ژنت است. در این نظریه، زمان بر دو نوع است: زمان تقویمی<sup>۲</sup> و زمان روایت<sup>۳</sup>. زمان در روایت نیز بر دو قسم است: زمان واقعی یا تقویمی و زمان خیالی یا زمان روایت. زمان واقعی بستر تمام حوادثی است که پیاپی و همخوان با لحظه‌ها، زنجیره‌وار شکل می‌گیرد. زندگی انسان‌ها در بستر آن جاری است و مشهور به زمان واقعی، گاه‌شمارانه، عمومی، مکانیکی و تقویمی (کرونولوژیک) است. زمان روایت درمقابل زمان واقعی وجود دارد و از آن با عنوان‌های «زمان روایی، خصوصی، درونی، ادراکی و یا خیالی» (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۴) یاد می‌کنند. میان زمان تقویمی و زمان روایت تفاوت‌هایی هست که مهم‌ترین آن، نبود نقطه آغاز و پایان در زمان تقویمی است؛ درحالی که در عرصه روایت نمی‌توان بدون تفکیک آغاز و پایان و مشخص کردن مقطعی از خط طولانی زمان، آن را به‌تصویر کشید (مارتین، ۱۳۸۲: ۶۱). همچنین در زمان تقویمی، حوادث در مجرای زمانی ثابت و مستمر و بدون انقطاع رخ می‌دهد؛ زمانی که از گذشته به حال و رو به آینده پیوسته درحال حرکت است. ولی در زمان روایت، سیر خطی حوادث به هم می‌خورد و از زمان حال به گذشته و آینده‌ای که هنوز نیامده است، پرش و انتقال وجود دارد. پس توالی خطی حوادث به‌تنهایی نمی‌تواند روایتی را به‌وجود آورد؛ بلکه نویسنده به کمک گشتارهایی که به‌کار می‌برد، حوادث را آن‌گونه که می‌خواهد، جابه‌جا می‌کند (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۱). بنابراین زمان تقویمی گزارشی کامل از اتفاقاتی است که در زندگی روزمره و واقعی رخ می‌دهد و زمان روایت زمانی است که نویسنده در آن دخل و تصرف می‌کند و با ابزارها و تکنیک‌های خاصی سرعت این زمان را تغییر می‌دهد.

براساس چارچوب‌های علم روایت‌شناسی، رابطه میان زمان روایت و زمان تقویمی به سه مبحث ترتیب و نظم<sup>۴</sup>، تداوم<sup>۵</sup> و بسامد<sup>۶</sup> مربوط می‌شود (جنت، ۱۹۹۷: ۴۷). نظریه ژنت یکی از جامع‌ترین نظریات در زمینه روایت‌شناسی است که با در نظر گرفتن

این ابعاد از زمان، الگویی جامع از زاویه دید زمانی داستان ارائه می‌دهد و از جوانب مختلف به بررسی عنصر زمان و کارکردهای خاص آن در فرایند نقل و روایت داستان می‌پردازد که خود یک شیوه علمی مناسب و دقیق برای اندازه‌گیری شتاب و سرعت<sup>۷</sup> روایت داستان است. نظریه ژنت در مورد زمان به سه بخش تقسیم شده است. توجه این پژوهش به بحث تداوم معطوف است؛ ولی به سبب پیوند نزدیک این سه مبحث، افزون بر تداوم، به نظم و ترتیب و بسامد نیز اشاره می‌کنیم. نظم و ترتیب نسبت بین توالی رخداد واقعی حوادث و چگونگی ارائه زمان ساختگی آن در روایت است (Genette, 1983: 35). پس نظم و ترتیب با زمان تقویمی و روایت ارتباط دارد و به نوعی در سرعت روایت تأثیر مستقیم می‌گذارد. مبحث دیگر نظریه ژنت بسامد است. بسامد ناظر به این است که هر حادثه و رخداد چند بار در متن روایی تکرار می‌شود و بر سه نوع است: ۱. نقل منفرد: معمول‌ترین شکل روایت نقل منفرد است که در آن نویسنده از یک واقعه در گذشته فقط یک بار یاد می‌کند و متداول‌ترین نوع روایت است. «نوعی از این بسامد تکرار n بار از واقعه‌ای است که n بار اتفاق افتاده باشد و این نوع کمیاب است و معمول نیست» (Toolan, 2001: 52). ۲. بسامد مکرر: در این شکل روایت، نویسنده رویدادی را که یک بار اتفاق افتاده است، چندین بار تکرار می‌کند. ۳. بسامد بازگو: از نظر ریمون - کنان، اگر حادثه‌ای که n بار اتفاق افتاده، فقط یک بار بازگو شود، طرح بازگو است (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۷۳). بنابراین بسامد نیز به نوعی با سرعت روایت و جابه‌جایی‌هایی که نویسنده در زمان روایت ایجاد می‌کند، ارتباط دارد. بخش سوم نظریه ژنت که با موضوع این پژوهش نیز همخوانی دارد، تداوم است. تداوم به معنای نسبت میان زمان متن و حجم متن است و از آن در تعیین ضرب‌آهنگ و شتاب داستان استفاده می‌شود (تولان، ۱۳۸۳: ۶۱). در تداوم، تناسب میان زمانی که حوادث داستان در آن رخ می‌دهد و تعداد صفحات رمان که برای نقل و روایت این حوادث اختصاص داده می‌شود، بررسی می‌شود. سرعت روایت براساس رابطه بین تداوم داستان (برحسب

دقیقه، ساعت، روز، هفته، ماه و سال) و تداوم متن (تعداد سطور یا صفحات) محاسبه می‌شود (Genette, 1983: 87). سرعت روایت نتیجه هماهنگی میان حجم اشغال‌شده متن رمان با ظرف زمانی مشخصی است که حوادث داستان در خلال آن رخ می‌دهد و این ظرف زمانی احتمال دارد بسیار طولانی و یک سال یا سال‌های متمادی را دربرگیرد یا اینکه شامل حوادث یک روز، چند هفته یا یک ماه باشد. روایت بخش بزرگی از متن در مدت زمان کوتاه نشان‌دهنده شتاب منفی<sup>۱</sup> و سرعت کند روایت است و گنجاندن دوره زمانی گسترده‌ای در بخش کوچکی از متن نمایانگر شتاب روایت بالاست (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۱۵ و ۳۱۷؛ رجبی، غلامحسین‌زاده و طاهری، ۱۳۸۸: ۷۷-۸۰). از این رو رابطه معکوسی میان ظرف زمانی حوادث داستان و حجم اشغال‌شده از متن داستان وجود دارد. هرچه تعداد صفحات بیشتر و ظرف زمانی داستان کوتاه‌تر و کمتر باشد، سرعت روایت منفی است و اگر حجم اشغال‌شده کم و محدوده زمانی حوادث داستان زیاد و طولانی باشد، سرعت روایت مثبت است و اگر میان آن‌ها تناسب و تساوی برقرار باشد، سرعت و شتاب روایت ثابت است. در این پژوهش می‌کوشیم به بررسی مبحث تداوم پیردازیم و سرعت کلی روایت داستان *حرب الکلب الثانية* و عوامل مؤثر بر تغییر سرعت در فصل‌های مختلف آن را بررسی کنیم.

## ۲-۲. خلاصه رمان *حرب الکلب الثانية*

رمان *حرب الکلب الثانية* جنگ جهانی ویرانگری به نام جنگ دوم سگ را توصیف می‌کند که با جنگ اول سگ ارتباط دارد که عامل آن سگ است. اما داستان جنگ دوم سگ در مورد طمع و تنوع‌طلبی و زیاده‌خواهی انسان معاصر است. داستان درباره ماجراجویی‌های دکتر راشد، پزشک بلندپروازی است که برای رسیدن به پیشرفت بسیار می‌کوشد، در این راه با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود و مورد شکنجه نیروهای امنیتی قلعه قرار می‌گیرد. پس از رهایی از این شکنجه‌ها، تبدیل به عضوی از ساختار حکومت قلعه می‌شود و با ارائه پروژه‌هایی مخوف همچون اسیران آرزو به قلعه، مقدمات جنگ



دوم سگ را فراهم می‌آورد. او در آغاز شخصی عادی و میهن پرست جلوه می‌کند؛ ولی پس از ورود به ساختار حکومت به شخصیت جاه طلب و بی‌پروایی بدل می‌شود که برای رسیدن به نهایت قدرت تلاش می‌کند. اما با ظهور جریان شبیه‌ها، همه چیز به هم می‌ریزد و جنگ و تغییرات شدید و فراوان آب‌وهوایی رخ می‌دهد. راشد شبیه‌ساز است و با شبیه‌سازی همسرش بر روی منشی زیباییش به آرزوی قدیمی‌اش می‌رسد که می‌خواست چندین نفر شبیه همسرش داشته باشد. او با این کار زمینه ایجاد بحرانی بزرگ را فراهم می‌سازد که در همه جا شیوع می‌یابد و همه همدیگر را به شبیه و غیراصل بودن متهم می‌کنند. آشوب همه جا را فرامی‌گیرد و نوعی استحاله شخصیت به وجود می‌آید و هرکسی یک یا چند مشابه خودش را پیدا می‌کند. در نتیجه تمام دنیا درگیر جنگ و بمباران می‌شود و قتل و کشتار همه جا را می‌گیرد و همه چیز نابود می‌شود.

### ۳. بررسی کارکرد عنصر زمان در رمان حرب الکتب الثانية

بحث تداوم در نظریه زمان روایی ژرار ژنت اهمیت زیادی دارد و در آن به رابطه زمان تقویمی و زمان روایی اشاره می‌شود. نویسنده با دستکاری در زمان روایت و با استفاده از تکنیک‌های روایی مختلف سرعت روایت داستان را با اهداف ادبی متعدد کم‌و زیاد می‌کند. ابراهیم نصرالله نیز در رمان حرب الکتب الثانية در زمان روایت داستان دست می‌برد و با به کارگیری شیوه‌های مختلف سرعت و آهنگ روایت و نقل حوادث، داستان را بی‌ثبات می‌کند و این گونه غیرواقعی بودن آن را و اینکه خواننده با داستانی محض سروکار دارد، نشان می‌دهد.

نخست، با بررسی و مقایسه دقیق زمان تقویمی و زمان روایت در داستان، سرعت روایت را در فصل‌های مختلف آن اندازه‌گیری می‌کنیم، سرعت کلی آن را به دست می‌آوریم، نوسانات موجود در فصل‌های مختلف رمان را نشان می‌دهیم و اهداف

نویسنده را از این تغییر سرعت روایت بیان می‌کنیم؛ سپس عوامل کاهش سرعت روایت، ثابت ماندن و افزایش آن را واکاوی می‌کنیم.

### ۳-۱. سرعت و شتاب روایت در داستان

حرب *الکلب الثانية* رمانی تخیلی است که زمان در آن اهمیتی خاص دارد. این رمان ظرفی زمانی را به تصویر می‌کشد که شامل جنگ و آشوب گسترده‌ای است و برای اینکه این بی‌نظمی را بهتر ترسیم کند، در ترتیب زمانی آن آگاهانه اختلال ایجاد می‌کند و سرعت روایت هر فصل را متناسب با مضمون و موقعیت مکانی، فرهنگی و اجتماعی تغییر می‌دهد. نویسنده بنابر نوع مضمون داستان و آگاهی از شخصیت‌های آن، ویژگی‌های اخلاقی و فیزیکی، پیشینه و تاریخچه زندگی‌شان و همچنین موقعیت جغرافیایی و فیزیکی صحنه‌ها و مکان‌های داستان، سرعت و شتاب روایت را در هر فصل و بخش داستان تعیین می‌کند. وی با استفاده از عوامل و ابزارهای خاص خود سرعت روایت را مثبت، منفی و ثابت می‌کند. نویسنده در این رمان واقعیت تلخ حاکم بر جهان معاصر را با تخیل تلفیق می‌کند، ولی صراحتاً مشخص نمی‌کند که این اتفاقات در چه مکان و زمانی رخ می‌دهد. هرچند این داستان محدودۀ زمانی از ازدواج شخصیت اصلی یعنی راشد با سلام تا به دنیا آمدن فرزندان و رفتنشان به مدرسه را دربرمی‌گیرد، اصلاً نمی‌توان با دقت محدودۀ زمانی این رمان را تعیین کرد و اگر بخواهیم بر تخمین تکیه کنیم، از میزان علمی بودن و دقت این کار پژوهشی کاسته می‌شود و نتایجی متناقض به دست خواهد آمد که چندان صحیح نیست. بنابراین برای تعیین شتاب روایت از شیوۀ دیگری استفاده می‌شود که دقت بیشتری دارد. برای بالا بردن دقت نتایج به دست آمده به صورت تفصیلی، شتاب روایت را در هر کدام از فصل‌ها و باب‌ها اندازه‌گیری می‌کنیم و شتاب کلی روایت را نشان می‌دهیم.

رمان *حرب الکلب الثانية* بدون احتساب صفحات سفید آغاز هر فصل از داستان، ۳۱۰ صفحه است که در ۹ فصل و ۵۱ باب نگاشته شده است. در این شیوه، حجم کل

صفحات رمان را تقسیم بر تعداد باب‌های آن می‌کنیم و به شتاب معیار و ثابتی می‌رسیم. در اینجا، ۳۱۰ تقسیم بر ۵۱ و حاصل آن عدد ۶/۰۷۸ می‌شود؛ یعنی به‌ازای هر باب به‌صورت میانگین ۶/۰۷۸ صفحه اختصاص داده می‌شود و حوادث داستان این حجم از صفحه را در هر باب اشغال می‌کند. از طرف دیگر طول هر باب از دو تا دوازده صفحه متغیر است و میانگین آن‌ها عدد شش است که در واقع نشان‌دهنده حد وسط و شتاب معیار و ثابت روایت است. پس عدد شش را میانگین و شتاب معیار و ثابت روایت داستان می‌دانیم و حدفاصل اعداد یک تا پنج را معادل شتاب مثبت<sup>۹</sup> و از عدد هفت به بالا را معادل شتاب منفی در نظر می‌گیریم.

### ۳-۱-۱. جدول سرعت روایت براساس تعداد صفحات باب‌های رمان

فصل	باب	تعداد صفحات	نوع شتاب
اول	اول	۵	مثبت
دوم	دوم	۷	منفی
	سوم	۷	منفی
	چهارم	۳	مثبت
	پنجم	۸	منفی
	ششم	۴	مثبت
	هفتم	۳	مثبت
	هشتم	۵	مثبت
	نهم	۳	مثبت
	دهم	۴	مثبت
	یازدهم	۲	مثبت
	دوازدهم	۷	منفی
	سیزدهم	۷	منفی

منفی	۹	چهاردهم	سوم
ثابت	۶	پانزدهم	
منفی	۹	شانزدهم	
مثبت	۲	هفدهم	
مثبت	۵	هجدهم	
منفی	۹	نوزدهم	
ثابت	۶	بیستم	
منفی	۷	بیست و یکم	
منفی	۷	بیست و دوم	
ثابت	۶	بیست و سوم	چهارم
منفی	۸	بیست و چهارم	
مثبت	۵	بیست و پنجم	پنجم
ثابت	۶	بیست و ششم	
مثبت	۵	بیست و هفتم	
مثبت	۴	بیست و هشتم	
مثبت	۵	بیست و نهم	
مثبت	۴	سی ام	
مثبت	۴	سی و یکم	
ثابت	۶	سی و دوم	
منفی	۸	سی و سوم	
مثبت	۵	سی و چهارم	
مثبت	۵	سی و پنجم	
مثبت	۴	سی و ششم	
منفی	۷	سی و هفتم	
منفی	۱۲	سی و هشتم	

مثبت	۳	سی و نهم	
ثابت	۶	چهل	
منفی	۸	چهل و یکم	
منفی	۸	چهل و دوم	هفتم
مثبت	۵	چهل و سوم	
ثابت	۶	چهل و چهارم	
منفی	۱۱	چهل و پنجم	هشتم
منفی	۱۰	چهل و ششم	
مثبت	۵	چهل و هفتم	
منفی	۹	چهل و هشتم	
ثابت	۶	چهل و نهم	
منفی	۱۱	پنجاهم	نهم
مثبت	۲	پنجاه و یکم	

### ۲-۱-۳. جدول نتایج کلی سرعت روایت براساس حجم صفحات باب‌ها

تعداد باب‌هایی که نشان‌دهنده شتاب مثبت، منفی و ثابت است، در جدول زیر آمده:

نوع شتاب روایت	شتاب مثبت	شتاب منفی	شتاب ثابت
از مجموع ۵۱ باب	۲۳ باب	۱۳ باب	۱۵ باب

### ۳-۱-۳. جدول بسامد سرعت روایت براساس فصل‌های داستان

بر اساس داده‌های بالا، عدد شش میانگین شتاب روایت است و معادل شتاب معیار داستان است. پس براساس این میانگین، شتاب هر فصل را نیز نشان خواهیم داد و روند کند و تند شدن شتاب روایت و یا شتاب ثابت<sup>۱</sup> را بهتر بیان خواهیم کرد. چنان‌که ذکر کردیم، تعداد صفحات هر فصل را تقسیم بر تعداد باب‌های آن می‌کنیم. عدد حاصل بیانگر شتاب روایت آن فصل می‌شود. فصل اول:  $\frac{5}{1} = 5$ ؛ فصل دوم:  $\frac{60}{12} = 5$ ؛ فصل

سوم:  $\frac{60}{9} = 6/66$ ؛ فصل چهارم  $\frac{14}{2} = 7$ ؛ فصل پنجم  $\frac{68}{13} = 5/23$ ؛ فصل ششم:  $\frac{41}{5} = 8/2$ ؛ فصل هفتم:  $\frac{30}{4} = 7/5$ ؛ فصل هشتم:  $\frac{29}{4} = 7/25$ ؛ فصل نهم:  $\frac{2}{1} = 2$

### ۳-۱-۴. جدول نتایج کلی شتاب روایت در هر فصل

نوع شتاب روایت	شتاب مثبت	شتاب منفی	شتاب ثابت
از مجموع ۹ فصل	۴ فصل	۱ فصل	۴ فصل

براساس این آمار، تعداد فصل‌های شتاب ثابت و مثبت با هم برابرند؛ ولی با توجه به بالا بودن تعداد فصل‌های با شتاب روایت مثبت، می‌توان گفت شتاب کلی روایت نیز مثبت است. اعداد به دست آمده نشان می‌دهد شتاب روایت در فصل اول و دوم مثبت است و روایت سرعت زیادی دارد و حجم اشغال‌شده متن کم و حجم حوادثی که در محدوده زمانی وسیعی رخ داده، زیاد است. در فصل اول، نویسنده با اشاره سریع و گذرا به حوادثی که قرار است در آینده رخ بدهد، شتاب روایت را بالا می‌برد. در فصل دوم، حجم وسیعی از اتفاقات مربوط به دوران جوانی راشد و چگونگی ازدواج او با سلام و شکنجه شدن از سوی مأموران قلعه در حجم کمی از صفحات نقل می‌شود. نویسنده با این بیان سریع، اطلاعات بسیاری را در اختیار خواننده قرار می‌دهد تا او برای رسیدن به ماجرای اصلی داستان، یعنی وقوع جنگ دوم سگ که در فصل اول به آن اشاراتی شد، مشتاق باشد. در فصل سوم، پس از ذکر حوادث بسیار، نویسنده حالت تعلیق و هول و ولای داستان را حفظ می‌کند تا خواننده زود به ماجرای اصلی نرسد و از جذابیت داستان کاسته نشود. پس در این فصل تداوم روایت با تداوم متن یکسان می‌شود. در فصل سوم، ماجرای مسافرت راشد و منشی به خارج و عمل شبیه‌سازی سلام بر روی منشی و همچنین ماجرای شباهت هواشناس به راشد و آغاز جدل و کشمکش آن‌ها روایت می‌شود. در فصل چهارم، ماجرای اصلی داستان و نشانه‌های

وقوع جنگ دوم سگ و همچنین افزایش قدرت و نفوذ راشد در قلعه می آید. این اتفاقات اندک در تعداد صفحات زیادی روایت می شود و نویسنده از شتاب روایت برای حفظ کشش داستانی می کاهد. در فصل پنجم، شتاب روایت بالا می رود و نویسنده در حجم کمی از صفحات رمان، حوادث متعدد و بی شماری را در محدوده زمانی وسیعی نقل می کند. از مهم ترین این رویدادها برملا شدن جریان شباهت منشی با سلام و پیدا شدن شبیه های دیگر و همچنین راننده تاکسی که شبیه راشد است. در فصل ششم، وقوع جنگ دوم سگ و هرج و مرجی که تمام دنیا را دربرمی گیرد، نقل و روایت می شود و از شتاب روایت کاسته می گردد. در فصل هفتم، شتاب روایت کاملاً منفی می شود و نویسنده بیشتر به تغییرات جوئی و جنگ و کشتار و حوادث و داستان های فرعی همچون قتل راننده تاکسی می پردازد که شبیه راشد است. در فصل هشتم، حوادث داستان بیشتر در زمان حال رخ می دهد و حالت پلیسی به خود می گیرد. موضوع اصلی این فصل دستگیری راشد توسط نیروهای امنیتی و دیدار با رئیس قلعه است که مشخص می شود رئیس قلعه شبیه اوست. شتاب این فصل به سبب توصیف لحظه به لحظه صحنه های داستان منفی است و گویی در زمان حال و پایه پای شخصیت ها به روایت حوادث می پردازد. در فصل نهم، یک باره داستان وارد فضای جدید و مبهمی می شود که حوادث آن گویی در آینده رخ می دهد. نویسنده پرش زمانی بسیار وسیعی را پس از جنگ دوم سگ صورت می دهد. نویسنده در پایانی باز، راشد و هواشناس را در لباس و هیئت مردمان عصر جاهلیت به تصویر می کشد که با دیدن هم، مجدد آتش جنگ میان آن ها شعله ور می شود. همه این اتفاقات به شکلی سریع و در دو صفحه با تداوم کوتاه روایت بازگو می شود. شتاب کلی داستان و بیشتر فصل های آن مثبت است و علتش نیز این است که نویسنده با عواملی همچون حذف<sup>۱۱</sup>، فشرده سازی<sup>۱۲</sup> و پرش های زمانی و به ویژه آینده نگری های<sup>۱۳</sup> مکرر، حوادث یک محدوده زمانی بسیار طولانی را در صفحات کمی بیان می کند.

#### ۴. بررسی نوسان شتاب روایت و عوامل مؤثر بر آن در رمان *حرب‌الکلب الثانية*

##### ۱-۴. شتاب مثبت

شتاب روایت به سه دسته اصلی مثبت، ثابت و منفی تقسیم می‌شود. شتاب روایت در هر بخش یا فصلی از رمان با توجه به دیدگاه و نظر نویسنده بر یکی از این سه نوع است. عوامل مهم در ایجاد شتاب مثبت در رمان عبارت‌اند از: آینده‌نگری، حذف و فشرده‌نویسی. در رمان *حرب‌الکلب الثانية* شتاب روایت در فصل‌ها و باب‌های مختلف در نوسان است و نصرالله با بهره‌گیری از تکنیک‌های خاص داستانی در سرعت روایت دخل و تصرف کرده و آن را منفی، مثبت و ثابت ساخته است.

##### ۱-۱-۴. آینده‌نگری

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شتاب مثبت روایت، آینده‌نگری است. آینده‌نگری روایت رخداد داستان پیش از نقل رخدادهاى اولیه است؛ گویی روایت به آینده داستان نقل می‌کند (ریمون - کنان، ۱۳۸۷: ۶۵). بنابراین نویسنده در نظم خطی روایت داستان اختلال ایجاد می‌کند و زمان متن را به جلو می‌برد و به حوادثی که اتفاق نیفتاده است، اشاره می‌کند. آینده‌نگری مجموعه‌ای از حوادث داستان است که راوی آن‌ها را با هدف آگاه کردن خواننده از اتفاقاتی که در آینده رخ می‌دهد، به کار می‌برد (أحمد، ۲۰۰۵: ۲۶۷). این کار برای ایجاد نوعی اشتیاق در خواننده برای خواندن بقیه داستان به همراه هیجان و علاقه است و از سوی دیگر سرنخ‌هایی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و از ابهام رمان می‌کاهد.

فصل اول رمان به صورت سریع و البته مبهم اشاره می‌کند به اصل ماجرای جنگی که در آینده قرار است رخ دهد و ادامه همان جنگ اول سگ است. نویسنده با این کار نوعی آینده‌نگری در رمانش خلق می‌کند و همچون فیلم‌های سینمایی که با تکه‌ای بریده‌شده از پایان فیلم آغاز می‌شود، با اشاره‌ای گذرا به جنگی همه‌جانبه که در آینده



وقوع خواهد یافت، اوضاع دنیا را پیش‌بینی می‌کند. با این کار، زمان روایت را جلو می‌برد و در صفحات اندک، حوادث محدوده زمانی وسیعی را پیش‌بینی می‌کند و این باعث می‌شود سرعت روایت مثبت و تند باشد. این افزایش سرعت روایت سرنخ‌هایی را در اختیار خواننده می‌گذارد که در مورد اتفاق و ماجرای اصلی داستان است. نویسنده با این کار حضور خود را در متن برجسته‌تر می‌کند:

«باید یک فیلم جنگی باشد؛ نه، فیلمی درباره مقدمات جنگی است که ما را درهم کوبید. جنگ سگ»<sup>۱۴</sup> (نصرالله، ۲۰۱۶: ۱۱).

راوی در ادامه به علل شروع جنگ‌ها و پیامدهای نامطلوبشان اشاره می‌کند و آن‌ها را در مقایسه با جنگ دوم سگ که قرار است در آینده رخ دهد، کوچک می‌داند و میزان تخریبی را که بر جای می‌گذارد، بیش از حد تصور می‌خواند. نویسنده با این آینده‌نگری خواننده را به حوادث آینده مبهمی که قرار است اتفاق بیفتد، مشتاق می‌سازد:

اما شایع‌ترین حوادث خونین در نتیجه اظهار نظر پیش می‌آید و اغلب بی‌هدف که منتهی می‌شد به این سؤال: خوشتر آمد؟ ولی به سطح جنگ دوم سگ نمی‌رسد؛ جنگی که در واقع با تعدادی حوادث عجیب و غریب شروع شد و رسید به لحظه شعله‌ور شدن به دلایلی که هیچ صاحب عقلی توقعش را نداشت<sup>۱۵</sup> (همان، ۱۴).

در فصل دوم، نویسنده با استفاده از آینده‌نگری سرعت روایت را بیشتر می‌کند و با اشاره گذرا و پوشیده به رابطه عاشقانه بین راشد و منشی‌اش، زمان روایت را بسیار جلو می‌برد. رابطه راشد و منشی‌اش در فصل‌های میانی داستان با جزئیات بازگو می‌شود و این در حالی است که هنوز راشد با سلام ازدواج نکرده و رمان در نقطه آغازین خود است. نویسنده با این پرش زمانی در حجم کمی از صفحات رمان، به حوادث گسترده و فراوانی اشاره می‌کند:

«آقای راشد مدیر بیمارستان امان، بیمارستانی بزرگ و معروف در بهترین منطقه پایتخت، به عشق دیوانه‌وار منشی‌اش از همان روز اولی گرفتار شد که به‌عنوان مدیر انتخاب شد»<sup>۱۶</sup> (همان، ۲۰).

در فصل پنجم، شتاب روایت باز سرعت بیشتری به خود می‌گیرد و نویسنده با استفاده از آینده‌نگری بر شتاب روایت می‌افزاید. در اینجا تداوم متن کمتر از تداوم داستان است و هدف نویسنده نیز از این پیش‌نگری ایجاد رغبت و سؤال در ذهن مخاطب دربارهٔ حوادث داستان است که در فصل‌های بعدی داستان رخ خواهد داد.

«جنگی که احساس می‌کنم در شرف کوبیدن در خانه‌های ماست چیزی جز جنگ دوم سگ نیست»<sup>۱۷</sup> (همان، ۲۰۵).

راشد معتقد است جنگ دوم سگ در آینده‌ای نزدیک رخ می‌دهد. نویسنده نیز در قالب سخنان راشد و این پیش‌نگری، زمان روایت را به جلو می‌برد؛ درحالی که زمان داستان ثابت مانده و در زمان حال است. پس نسبت حجم اشغال‌شدهٔ متن در این بخش از داستان و حوادثی که محدودهٔ زمانی وسیعی که در آینده رخ خواهد داد، نشانگر شتاب مثبت روایت است.

#### ۲-۱-۴. حذف

دومین عامل مؤثر بر ایجاد شتاب مثبت روایت، حذف است. حذف، برخلاف درنگ یا تعلیق زمانی، حالتی است که در آن، زمان داستان هیچ قرینه‌ای در زمان سخن نداشته باشد و این یعنی کنار گذاشتن یک دورهٔ زمانی یا حذف (تودوروف، ۱۳۸۲: ۶۰). بنابراین در حذف، بخشی از تداوم داستان نادیده گرفته می‌شود و روایت نمی‌شود.

در سه فصل این رمان (فصل اول، دوم و پنجم)، نویسنده برای ایجاد شتاب مثبت بیشتر از آینده‌نگری بهره برده و گاه از حذف و فشردگی هم استفاده کرده؛ ولی در فصل نهم که فصل پایانی است و نتیجهٔ نهایی داستان در آن مشخص می‌شود، بیشتر عنصر حذف و فشردگی را به‌کار گرفته است. در فصل پنجم، جریان شبیه‌سازی به

اوج خود می‌رسد و به بحران تبدیل می‌شود و یک زن خدمتکار در رستوران که کاملاً شبیه به سلام است و مرتکب قتل شده، از ترس برملا شدن جنایتش سلام را متهم به این می‌کند که سلام شبیه اوست و او اصل است. پلیس سلام را دستگیر می‌کند. نویسنده به ذکر جزئیات این دستگیری و انتقال سلام به اداره پلیس نمی‌پردازد و این بخش از رمان را حذف می‌کند و فقط تماس مشکوکی که با برادر سلام گرفته می‌شود، نقل می‌شود که او بدون هیچ توضیح خاصی از منزل بیرون می‌رود.

نویسنده پاراگراف بعدی را با حاضر شدن افسر در اداره پلیس آغاز کرده است که سلام را آزاد می‌کند. نویسنده این‌گونه با حذف بخشی از حوادث داستان، زمان روایت را جلو برده؛ درحالی که زمان داستان ثابت است. البته نویسنده تکنیک‌های دیگری را برای سرعت دادن به روایت به کار برده و برای اینکه حجم زیادی از متن داستان را به گفت‌وگوی افسر و اداره پلیس اختصاص ندهد، از نقطه‌چین استفاده کرده که نشان می‌دهد بخشی از گفت‌وگوهای آن‌ها حذف شده است:

زنگ تلفن به صدا درآمد. رئیس اداره امنیت خودش این بار تماس گیرنده بود.  
OPEN. الو... - بله خودم هستم چیزی شده؟ - ... - ممکن است دوباره تکرار کنید؟ - ... - شما مطمئنید! - من همین الآن راه می‌افتم. اتفاق بدی افتاده؟  
همسرش با نگرانی پرسید. جواب نداد. و به سرعت بیرون رفت (نصراالله، ۲۰۱۶: ۱۹۱).

نویسنده زمان رسیدن افسر به اداره پلیس و وقایع و وضعیتی را که در این محدوده زمانی برای سلام اتفاق افتاده است، حذف کرده است:

«وقتی به در ورودی اداره امنیت رسید، پلیس چاقی در را برایش باز کرد، داخل شد و خود را روبه‌روی سلام دید»<sup>۱۹</sup> (همان، ۱۹۲).

نصراالله با حذف بخش‌هایی از داستان، حوادث و موضوعات مهم را برجسته کرده و از پرداختن به موضوعات فرعی و کم‌اهمیت چشم پوشیده و با این کار تداوم متن را کوتاه‌تر کرده است. بدین ترتیب، متن یک‌نواخت و خسته‌کننده نمی‌شود.

#### ۴-۱-۳. فشرده‌سازی

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شتاب مثبت روایت، فشرده‌سازی یا فشرده‌گویی است. در این روش، راوی با به‌کارگیری شگرد چکیده‌نویسی یا فشرده‌سازی در گستره روایت، به تولید ساختاری در روایت دست می‌زند که دقیقاً نقطه مقابل «گسترش» است. نگاه تلسکوپی راوی در این موقعیت، زمان گاه‌شماری وقوع رویداد را در روایتی بسیار فشرده به‌نمایش می‌گذارد (امامی و مهدی‌زاده‌فرد، ۱۳۸۷: ۱۵۱؛ نیز ر.ک: پزشکی، ۱۳۷۷: ۱۶۸). از این رو در این روش، فقط به موضوعات و حوادث مهم داستان به‌صورت مختصر و گذرا اشاره می‌شود و جزئیات صحنه‌ها و حوادث ذکر نمی‌شود.

پس از دستگیری سلام و آزادی او، میان او و برادرش گفت‌وگویی طولانی صورت می‌گیرد. نویسنده حوادثی را که در طول روز برای سلام اتفاق افتاده، نقل نمی‌کند و به‌صورت کلی و سربسته در سه سطر به این گفت‌وگو اشاره می‌کند. نویسنده تشخیص می‌دهد که توصیف لحظه‌به‌لحظه اتفاقاتی که برای سلام در طول روز (یعنی محدوده زمانی چندساعته) می‌افتد، باعث کند شدن بیش از حد سرعت روایت می‌شود و خستگی بر خواننده چیرگی می‌یابد و در نتیجه موجب می‌شود بخش‌های مهم داستان نیز کمتر مورد توجه قرار بگیرد. پس با فشرده‌سازی جملات و اشاره گذرا ولی مفید، کشش داستان را حفظ و خواننده را برای صحنه‌های بعدی مشتاق می‌کند. بنابراین در قالب جملات کوتاه و واژگان کلیدی، حجم وسیعی از حوادثی را که در محدوده زمانی تقریباً گسترده برای سلام اتفاق افتاده است، بازنمایی می‌کند:

«در راه بازگشت به منزل، تمام جزئیات را از سلام شنید از لحظه رسیدن به دفتر راشد تا رفتن به ساختمان تجاری و دیدن آن زن شبیه و تا رسیدن او به سلام»<sup>۲۰</sup> (نصرالله، ۲۰۱۶: ۱۹۳).

نویسنده در فصل نهم، بسیار سریع داستان را روایت می‌کند و در آن نتیجه تمام اتفاقاتی را که در هشت فصل پیشین رخ داده، برای خواننده به‌گونه‌ای به‌تصویر می‌کشد

تا براساس درک خود از شرایط سیاسی و فرهنگی، به برداشتی عمیق از مضمون داستان برسد. در این فصل، نویسنده تصویری از جهان پس از جنگ ویرانگر دوم سگ را نشان می‌دهد که همه چیز نابود شده و مردم به زندگی گذشته خود - عاری از هرگونه تکنولوژی و امکانات قرن بیست و یکمی - برگشته‌اند و در صحرا و خیمه‌ها زندگی می‌کنند و خبری از ماشین‌های پیشرفته و فناوری‌های مافوق تصور نیست. نویسنده با استفاده از فشرده‌گویی و در جملات بسیار کم، این وضعیت را ترسیم می‌کند. بنابراین حجم اشغال‌شده از متن بسیار اندک است؛ ولی موضوع و تصویر گسترده‌ای را به‌نمایش می‌گذارد و این‌گونه با شتاب بخشیدن به سرعت روایت، خواننده را به رسیدن به برداشت نهایی هدایت می‌کند:

«باد می‌وزید، بادی که با خود خاکستر شب را از شهرهای دیگر و جنگ‌های قدیمی و استخوان بشر با خود می‌آورد؛ طوری که نمی‌توانستند از دروازه‌های گورشان بگذرند. و روی درختان بیابانی عریان آنجا پرندگان تنها یک آواز سر می‌دادند»<sup>۲۱</sup> (همان، ۳۳۹).

نصرت‌الله در این بخش با کوتاه کردن تداوم متن نسبت به تداوم داستان، به روایت سرعت بیشتری بخشیده و به‌نوعی از متن استفاده بهینه کرده و از مهم‌ترین حوادث سخن گفته است.

نویسنده مرد هواشناس را در شکل و هیئت مرد بادیه‌نشین سوار بر شتری ترسیم می‌کند که گویی زمان به عقب بازگشته است. وی محیط بادیه در دوران جاهلیت را توصیف می‌کند:

«شتر رسید، سوار آن را در میدانی که دور تا دورش چادر بود به زانو نشاند [...] صاحب پیراهن قرمز فریاد کشید او گزارشگر هواشناسی است»<sup>۲۲</sup> (همان، ۳۳۹).

در اینجا نویسنده می‌خواهد بگوید عامل اصلی جنگ‌ها در دنیا خود انسان‌ها هستند و جنگ‌ها هرگز پایان نمی‌یابند؛ بلکه شکل و حالت آن‌ها تغییر می‌کند. نویسنده زیاده‌خواهی انسان‌ها را عامل تداوم جنگ‌ها می‌داند. راشد با دیدن مرد هواشناس

عصبانی می‌شود و دوباره آن ستیز و کینه و میل به کشتار شعله‌ور می‌گردد و زمینه جنگی تمام‌عیار، جهانی و ویرانگر فراهم می‌آید. هنر نویسنده در اینجا به اوج می‌رسد و با فشرده‌سازی کلام و فقط در قالب یک کلمه یعنی «بدآت!» شروع جنگ جهانی سوم را به تصویر می‌کشد (همان‌جا) و به روایت داستان پایان می‌دهد.

#### ۲-۴. شتاب ثابت

دومین نوع شتاب روایت شتاب ثابت است که در آن نویسنده میان حجم صفحات داستان و زمان حوادث داستان و فعل‌وانفعالاتی که در زمان تقویمی رخ می‌دهد، تعادل ایجاد می‌کند. در این نوع، روند شتاب روایت نه تند و نه کند است و حد متوسط سرعت روایت است. مهم‌ترین عامل در ایجاد شتاب ثابت روایت، عنصر گفت‌وگو<sup>۲۳</sup> است که نویسنده در بخش‌هایی از داستان با بهره‌گیری از این عنصر، شتاب روایت داستان را ثابت نگه می‌دارد.

#### ۱-۴. دیالوگ (گفت‌وگو)

مهم‌ترین عامل ثابت نگه داشتن شتاب روایت دیالوگ یا گفت‌وگوی بیرونی است. هرچند در برخی موارد باعث شتاب منفی روایت نیز می‌شود، معمولاً باعث شتاب ثابت روایت می‌شود. هدف از گفت‌وگو پیش بردن حوادث داستان، کشف شخصیت و سرشت (توصیف عملی) شخصیت داستان، وارد کردن حوادث در داستان، ارائه صحنه و دادن اطلاعات لازم به خواننده است (یونسی، ۱۳۸۴: ۳۵۱).

در فصل سوم و چهارم، به‌اندازه حوادثی که در یک ظرف زمانی خاص اتفاق افتاده، صفحاتی از رمان به این حوادث اختصاص داده شده است. نویسنده برای اینکه از کشش داستانی رمان کاسته نشود و همچنان اتفاقاتی که قرار است در آینده رخ بدهد پوشیده و مبهم باقی بماند، اندکی از سرعت روایت می‌کاهد و شتاب آن را ثابت نگه

می دارد. مهم ترین عنصری که نویسنده این رمان برای شتاب مثبت روایت به کار برده، دیالوگ است.

مهم ترین موضوع فصل سوم و چهارم، شباهت همسایه هوشناس با راشد است. راشد متوجه شباهت بسیار همسایه هوشناس با خودش می شود و این آغاز کشمکش میان آنهاست که تا پایان داستان ادامه دارد و راشد حتی می خواهد او را با کلت برادرزن افسرش به قتل برساند. نویسنده برای اینکه این بخش از داستان را جذاب تر جلوه دهد، دیالوگ ها را روایت می کند و شتاب روایت را ثابت نگه می دارد. این گفت وگوها در ظرف زمانی نه چندان کوتاه و نه چندان طولانی انجام می شود و نویسنده میان حجم اشغال شده از متن رمان با این دیالوگ ها و حجم حوادثی که در این محدوده زمانی خاص رخ می دهد، تناسب ایجاد می کند. نویسنده در این گفت وگوها شخصیت پلیسی، محتاط و لجوج افسر را بهتر توصیف می کند و تیزهوشی راشد را نیز نشان می دهد:

مسلسل می خواهم. - مسلسل؟ برای چه؟ افسر که موضوع تهیه سلاح ذهنش را خیلی به خود مشغول کرده بود، به راشد اطلاع داد: فقط کلت. این همه آن چیزی است که می توانم تهیه کنم. - کلت؟ با این کلت کاری نمی توانم بکنم؟ راشد گفت. مسلسل؟ پس با این مسلسل می خواهی چکار کنی؟ افسر پاسخ داد: می خواهم با آن سوسکی را که خیلی نگرانم کرده بکشم<sup>۲۴</sup> (نصرالله، ۲۰۱۶: ۹۳).

این گفت وگو باعث ایجاد تعادل میان تداوم متن و تداوم داستان شده و نویسنده از طریق سخنان و گفت وگوهای راشد و هوشناس و کشمکش میان آنها، روند روایت داستان را به شکلی متفاوت و به نوعی غیرمستقیم پیش برده است؛ یعنی گویی خود راشد و هوشناس روای داستان شده اند و حوادث داستان را نقل می کنند.

یکی از شخصیت های مبهم داستان مدیر سابق قلعه است که راشد طرح های خود درباره توسعه بیمارستان ها را با او درمیان می گذارد و با پشتیبانی او آنها را اجرایی می کند. پس میان آنها گفت وگوهای زیادی درمورد برنامه هایشان که جنبه سری دارد،

ردوبدل می‌شود. نویسنده با نقل این گفت‌وگوها، با شتابی ثابت موضوع داستان را به جلو هدایت می‌کند و مخاطب را در حالتی از تعلیق قرار می‌دهد تا با فهمیدن اصل ماجرا، از خواندن ادامه داستان خسته نشود. بنابراین میان حجم اشغال‌شده صفحات رمان با گفت‌وگوهای راشد و مدیر قلعه هماهنگی برقرار شده و در واقع حجم متن و حوادث داستان که در یک ظرف زمانی خاص اتفاق افتاده، نوعی ثابت در شتاب روایت را ایجاد کرده است:

حضرت عالی به ساختن چندین بیمارستان می‌اندیشی، ولی من به ساختن تنها یک بیمارستان از نوعی دیگر برای آسیب‌دیدگان در حوادث می‌اندیشم. - در واقع منظور شما بیمارستان نیست! - درسته. - زندان؟ زندانی بزرگ و سری. - از کجا زندانبان و پلیس بیاوریم؟ - فکر آن را هم کرده‌ام، حضرت عالی نظامی بزرگی هستی و بازنشستگان وفادار به خودتان را خوب می‌شناسید<sup>۲۵</sup> (همان، ۱۴۶).

#### ۳-۴. شتاب منفی

سومین نوع شتاب روایت شتاب منفی است که مهم‌ترین عوامل ایجاد آن عبارت‌اند از: مکث درنگ توصیفی<sup>۲۶</sup>، گذشته‌نگری<sup>۲۷</sup> و اپیزود. نویسنده متناسب با مضمون هر فصل داستان، از این عوامل برای کند کردن سرعت روایت و دادن شتابی منفی به روایت کمک می‌گیرد. فصل ششم، هفتم و هشتم داستان دربرگیرنده اتفاقات و تغییرات جوی گسترده‌ای است که تمام دنیا را فرامی‌گیرد و بحران شبیه و اصل به اوج خود می‌رسد و هیچ‌کس از خودش اطمینان ندارد که اصل است و نسخه کپی و شبیه‌سازی نیست. در این فصل، نویسنده به‌عمد شتاب روایت را با عناصری چون مکث توصیفی، گذشته‌نگری و اپیزود کند و منفی می‌کند.

#### ۱-۳-۴. مکث و درنگ توصیفی

یکی از مهم‌ترین روش‌های منفی کردن شتاب روایت درنگ توصیفی است. توصیف ابزار اصلی نویسنده برای شخصیت‌پردازی مستقیم و بیان کیفیت رویدادهاست. توصیف به جهان داستان بُعد و فضا می‌بخشد و آن را زنده، واقعی و ملموس می‌سازد.



توصیف عنصر ساکن در روایت است (بی‌نیاز، ۱۳۸۸: ۱۱۶). نویسنده با استفاده از توصیف گویی زمان روایت را دچار وقفه می‌کند و از سرعت روایت می‌کاهد. درنگ یا مکث توصیفی نیز در گُند کردن جریان نمایش نقش مؤثر دارد؛ به‌گونه‌ای که زمان حکایت در آن تعطیل می‌شود و نوع استراحت زمانی در جریان روایت برقرار می‌شود تا به‌وسیله آن زمان گفتمان افزایش یابد (جنت، ۱۹۹۷: ۱۱۲).

در باب چهل و چهارم، طی یک‌سری اتفاقات راشد به مکان مخوفی می‌رود که اسیران آرزو که توسط نیروهای امنیت دستگیر شده‌اند، در آنجا حبس هستند. نویسنده در این بخش برای اینکه بر حساسیت موضوع داستان بیفزاید و به‌نوعی روند داستان را دچار وقفه‌های عامدانه کند تا خواننده خود را در فضای داستان قرار دهد و در کنار شخصیت داستان ببیند و با صحنه‌های داستان بهتر ارتباط برقرار کند، به توصیف فیزیکی زندانی که راشد در آن زندانی شده، می‌پردازد و با دقت جزئیات آن را برای خواننده به‌تصویر می‌کشد. این مکث توصیفی از شتاب روایت می‌کاهد و با ابهامی که به‌وجود می‌آورد، ذهن خواننده را مشتاق آگاه شدن از حوادث بعدی می‌کند که قرار است برای شخصیت‌های داستان اتفاق بیفتد:

باوجود مدرن بودن ساختمان، راشد از وضعیت دیوارها شگفت‌زده شد. به‌نظر کهنه می‌آمد. برخی اشاره داشت به تاریخ روزها و سال‌ها و برخی به اسامی زندانیان، یا قعه‌هایی از شعر و نقل‌قول‌های هیجان‌انگیز، یا شکل پرندگان آویزان بر درختان و جمله عجبی نظرش را جلب کرد: وقتی اینجا می‌آیی یک نفری، ولی وقتی بیرون می‌روی بیست نفری<sup>۲۸</sup> (نصرالله، ۲۰۱۶: ۲۸۲).

در فصل هشتم و باب چهل و هشتم، حالت جنگی بر تمام شهر سیطره می‌یابد و موشک‌ها و بمب‌ها پیاپی بر خانه‌ها، ماشین‌ها و انسان‌ها فرود می‌آید و اعضای قطعه‌شده افراد در همه‌جا پخش می‌شود. نویسنده با توصیف دقیق این فضای ترسناک، خواننده را در چنین حال و هوای جنگی قرار می‌دهد تا پیامدهای شوم جنگ و زیاده‌خواهی‌های انسان را بهتر درک کند؛ همچنین با توصیف لحظه‌به‌لحظه نوعی تحرک به روایت

داستان می‌بخشد و از طرف دیگر خواننده را در حالتی از انتظار برای رخ دادن حوادث غیرمنتظره قرار می‌دهد. بنابراین حجم بیشتری از رمان به حوادثی که در زمان حال و در محدوده زمانی اندک اتفاق می‌افتد، اختصاص داده و این‌گونه شتاب روایت کند شده است (همان، ۳۱۵).

#### ۲-۳-۴. گذشته‌نگری

یکی دیگر از عوامل ایجاد شتاب منفی روایت گذشته‌نگری است. گذشته‌نگر روایت رخداد داستان پس از نقل رخدادها سپری شده متن است. گویی روایت به گذشته‌ای در داستان رجعت می‌کند (ریمون - کنان، ۱۳۸۷: ۶۵). نویسنده با گسست زمانی، از نقل حوادث داستان که در زمان حال رخ می‌دهد، صرف‌نظر می‌کند و زمان را به گذشته برمی‌گرداند و فرایند خطی روایت را برهم می‌زند. راوی به دلایل گوناگونی، مانند پر کردن شکاف‌های احتمالی متن که روایت در زمان حاضر قادر به رمزگشایی آن‌ها نیست، ظهور شخصیت‌های جدید در داستان و تکمیل عملیات حکایت، از بازگشت زمانی استفاده می‌کند (یعقوب، ۲۰۰۱: ۶۲).

راننده شبیه راشد توسط نیروهای امنیتی گشته می‌شود و همسرش نیز از جریان شباهت او به راشد باخبر است و برای اینکه شباهت او برملا نشود چهره همسرش را با گریم مخفی می‌کند. این موضوع در باب سی‌وهشتم روایت می‌شود؛ اما بخشی از داستان که درمورد شک کردن همسر راننده به اینکه او خود راننده است یا نه، و همچنین ترفند پوشاندن صورت راننده با گریم نقل نشده است. نویسنده برای اینکه نوعی ابهام در روند روایت داستان ایجاد کند و خواننده به عقب برگردد و این ماجرا را با زاویه دیدی متفاوت نگاه کند، از گذشته‌نگری کوتاه‌مدت استفاده می‌کند و در آغاز باب سی‌ونهم به این بخش از داستان که روایت نشده بود، اشاره می‌کند. این‌گونه نویسنده شتاب روایت را منفی می‌کند و زمان روایت را به عقب می‌برد:

«کمی به عقب برمی گردیم، دقیقاً به آن شب بغرنج و پیچیده‌ای که...»<sup>۲۹</sup> (نصرالله، ۲۰۱۶: ۲۴۳).

در باب چهل و هشتم، حالت جنگی شهر به اوج خود می‌رسد و همه یقین پیدا می‌کنند که جنگ دوم سگ به وقوع پیوسته است. نویسنده برای اینکه بر حتمی بودن وقوع جنگ دوم سگ تأکید کند، آن را با جنگ اول سگ و جنگی که در گذشته دور و در رمضان اتفاق افتاده، مقایسه می‌کند و آن را بسیار گسترده‌تر و ویرانگرتر می‌داند. نویسنده با فلش‌بک به دوره جنگ اول سگ، شتاب روایت را با مکث مواجه می‌کند و با این گذشته‌نگری زمان داستان را که در زمان حال روایت می‌شود، به گذشته دور می‌برد و با این پرش زمانی سرعت روایت را می‌کاهد. این گذشته‌نگری از نوع بلندمدت است:

«ولی این جنگ از جنگ اول سگ شدیدتر و خشن‌تر و بسیار گسترده‌تر است، طوری که با حوادث روزهای جنگ رمضان که چیزی بیشتر از یک جنایت شخصی نبود، قابل قیاس نیست»<sup>۳۰</sup> (همان، ۳۱۴).

#### ۳-۳-۴. اپیزود

یکی دیگر از عناصر و عوامل کُند کردن سرعت روایت اپیزود<sup>۳۱</sup> یا همان داستان‌های فرعی و کوتاه است. اپیزود عبارت است از:

داستان فرعی یا رویدادی که در متن داستان می‌آید. گاه این حادثه مستقل به روند پی‌رنگ داستان مربوط می‌شود و گاه ربطی به پی‌رنگ داستان ندارند. اپیزود می‌تواند به تنهایی داستان کاملی باشد، چنان‌که می‌توان آن را بی آنکه در کل داستان خللی وارد آید، حذف کرد (داد، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

نویسنده با داستان‌های کوتاه و فرعی جهان درون داستان را گسترده‌تر می‌کند و چه بسا این داستان‌ها مربوط به دوران بسیار کهنی باشد که نویسنده با ادغام آن‌ها در متن داستان اصلی، ظرفیت زمانی داستان را وسیع‌تر کند.

در فصل دوم و باب پنجم، اندکی از شتاب روایت کاسته می‌شود. این باب به توصیف مهمانی‌ای اختصاص دارد که در آن جمعی از پزشکان و برخی از افسران نظامی حضور دارند و سخنران اصلی این مجلس، رئیس یکی از بیمارستان‌های مشهور شهر است که با پرحرفی خود به موضوعات مختلفی اشاره می‌کند. در این باب، نویسنده برای اینکه کشش داستانی رمان را حفظ کند و به‌نوعی ذهن خواننده را از جریان اصلی داستان منحرف نماید تا میزان توجه او به مضمون داستان را بسنجد، از زبان رئیس بیمارستان داستان‌های فرعی و شبه‌عامیانه‌ای نقل می‌کند که با چاشنی طنز همراه است. البته نویسنده در قالب این طنز، بی‌رحمی و فریبکاری برخی از پزشکان را نقد می‌کند. وی با کُند کردن سرعت روایت وقفه‌ای در زمان روایت ایجاد می‌کند. این داستان‌های فرعی صفحات ۳۶ تا ۴۲ را دربرمی‌گیرد:

«آیا در ذهنت حکایت خاصی هست؟ دکتر از او پرسید. حکایت مردی که همسر و دخترش او را به بیمارستان آوردند و او از سکتۀ قلبی رنج می‌برد»<sup>۳۲</sup> (نصرالله، ۲۰۱۶: ۴۰).

##### ۵. نتیجه

- رمان *حرب‌الکلب‌الثانیة* رمانی تخیلی است که زمان تقویمی در آن نامشخص است.  
 - سرعت کلی روایت در این داستان مثبت است و با توجه به رفت‌وبرگشت‌های زمانی از حال به گذشته و از حال به آینده سرعت روایت بالاست.  
 - موضوع این رمان جنگ و درگیری و تغییر و تحولات گسترده در شرایط آب‌وهوایی و در رفتارها و ژنتیک انسان و دیگر جانداران است و نوعی تحرک، سرعت و تغییر حالت در آن هویدا است. نویسنده متناسب با این دگرگونی‌ها، سرعت کلی روایت را مثبت کرده و در هر فصل نیز متناسب با مضمون آن، شتاب روایت را تغییر داده است.

- سرعت روایت در فصل اول، دوم، پنجم و نهم مثبت است؛ زیرا نویسنده از آینده‌نگری، حذف و فشرده‌سازی بیشتر استفاده و در قالب صفحات کمتر به حجم وسیعی از حوادث داستان اشاره کرده است؛ بنابراین تداوم متن کوتاه‌تر از تداوم داستان است. نویسنده با کاربست حذف و فشرده‌نویسی، برخی از صحنه‌ها و حوادث غیرمهم را نیاورده و به ذکر حوادث مهم پرداخته و آن‌ها را برجسته‌تر کرده است.

- سرعت روایت در (فصل سوم) و برخی از باب‌های داستان با اهدافی چون شناخت بهتر شخصیت‌های داستان و توصیف بهتر و جزئی‌تر صحنه‌ها ثابت مانده و نویسنده با استفاده از عنصر گفت‌وگو اندکی از سرعت روایت را کاسته است. نصرالله با ثابت کردن سرعت روایت، شیوه روایت متفاوتی را ایجاد کرده و آن را از یک‌نواختی بیرون آورده و حالت تعلیق را آغاز کرده است.

- در فصل چهارم، ششم، هفتم و هشتم، نویسنده آگاهانه سرعت روایت را کند و منفی کرده است تا پس از اینکه در حجم کمی از متن داستان مجموعه‌ای گسترده از حوادث را نقل می‌کند، اکنون به‌صورت جزئی‌تر به روایت داستان بپردازد. هدف نویسنده از این کاهش سرعت، حفظ کشش داستانی، لو نرفتن ناگهانی موضوع اصلی داستان، همگام و همراه کردن خواننده در داستان و ارتباط برقرار کردن با شخصیت‌های داستان و رسیدن به زوایای پنهان شخصیت آن‌هاست.

- روایت داستان در این فصل‌ها بیشتر حوادث زمان حال را دربرمی‌گیرد؛ ولی در آن‌ها گذشته‌نگری و آینده‌نگری هم وجود دارد. در این رفت‌وبرگشت‌ها، برخی از حوادث مهمی که قبلاً به‌صورت مبهم و خاکستری نقل شده بودند، دوباره بازبینی می‌شوند و به فرایند روایت داستان اصلی کمک می‌کنند و برای درک بهتر درون‌مایه داستان گدهایی نیز در اختیار خواننده قرار می‌دهند.

- نویسنده برای کند کردن سرعت روایت از درنگ و مکث توصیفی، گذشته‌نگری و اپیزود استفاده کرده است.

– هدف از منفی کردن سرعت روایت توصیف لحظه به لحظه حوادث و صحنه‌های داستان و گسترده کردن فضاها و جهان درونی داستان و همچنین حفظ کشش و جذابیت داستان برای خواننده است.

### پی‌نوشت‌ها

1. Gerard Genette
2. story time
3. discourse time
4. order
5. duration
6. frequency
7. tempo
8. deceleration
9. acceleration
10. isochrony
11. ellipsis, cut, omission
12. summary
13. flashforward-anticipation

۱۴. «إِنَّهُ فِيلْمٌ حَرْبِي إِذَا. لَا أَنَّهُ فِيلْمٌ عَنِ مَقْدَمَاتِ الْحَرْبِ الَّتِي طَحْتُنَا. حَرْبِ الْكَلْبِ.»

۱۵. «أما أكثر الحوادث الدموية شيوعاً فهي تبادل نظرات غير مقصودة غالباً، تنتهي بسؤال: ألا أعجبتك؟! ... لكنها لن تصل إلى مستوى حرب الكلب الثانية؛ تلك الحرب التي ستكون بداياتها الفعلية في عدد من الحوادث الغريبة، وصولاً إلى لحظة اشتعالها لأسباب لا يمكن لصاحب عقل أن يتوقعها.»

۱۶. «السيد راشد مدير (مستشفى الأمان) وهو مستشفي كبير وناجح، في أفضل أحياء العاصمة، تورط في حب مجنون مع سكرتيرته منذ اليوم الأول الذي تم فيه تعيينه مديراً.»

۱۷. «فالحرب التي أحس بأنها على وشك أن تطرق أبوابنا ليست سوى حرب الكلب الثانية.»

۱۸. «عاد رنين الهاتف من جديد، كان رئيس المركز الأمني نفسه هو المتصل! - open. الو... - نعم، أنا نفسه. هل هناك شيء؟ - ... - هل يمكن أن تعيد ثانية ما قلته؟ - أنت متأكد! - ... - أنا قادم في الحال. - هل حدث أمر سيء؟ سألت زوجة الضابط بقلق. لم يجب. خرج بسرعة.»

۱۹. «حين وصل المدخل الرئيس للمركز، فتح له رجل شرطة ضخم الباب. دخل، فوجد نفسه وجهاً لوجه مع سلام.»

٢٠. «في طريق العودة إلى بيتها، سمع منها التفاصيل كلها، منذ وصولها إلى مكتب راشد، مروراً بالسوق التجاري، وتلك الشبيهة، حتى وصوله إليها.»
٢١. «كانت الرياح تهب، جارفة معها رماد الليل من مدن أخرى ومعارك قديمة ورفات بشر لم يستطيعوا بلوغ عتبات مقابرهم، وفوق أشجار صحراوية عارية ثمة طيور تغني أغنية واحدة.»
٢٢. «وصلت الناقه، أناخها ركبها في الساحة التي تتوسط الخيام... إنه الراصد الجوي، صاح ذو القميص الأحمر.»

### 23. dialogue

٢٤. «أريد رشاشاً. - رشاشاً؟! لماذا؟! الضابط الذي كانت تشغله كثيراً مسألة انكشاف تزويد أيّ كان بالأسلحة، أخبر راشد: مسدس. هذا أفس ما يمكن أن أزوّدك به. - مسدس؟! وما الذي يمكن أن أفعله بمسدس؟! قال راشد. - رشاش؟! وما الذي تريد أن تفعله بالرشاش؟! ردّ الضابط.. قتل أحد الصراصير إن اضطررت ذلك.»
٢٥. «سيادتك تفكر في عدّة مستشفيات، لكنني أنصح بإنشاء مستشفى واحد من نوع آخر للذين تسبوا في الحوادث، وربما سواها! - بالتأكد، أنت لا تقصد مستشفى! - هذا صحيح. - سجن؟! - سجن سري كبير. - ومن أين لنا بالشرطة والسجانين؟! - لقد فكرت في الأمر جيداً. سيادتك تعرف جيشاً كبيراً من المتقاعدين الأوفياء لك.»

### 26. description pause

#### 27. retrospection-flashback

٢٨. «رغم حداثة المكان فوجي، راشد بحال الحيطان؛ كانت تبدو عتيقة كما لو أن ثلاثين عاماً مرّت على بنائها، عفنة. وكما في كلّ سجن، بدت الخطوط المحفورة في الجدران مرهقة، بعضها يشير إلى الأيام، وبعضها إلى أسماء المساجين، أو مقاطع من قصائد وأقوال مأثورة، ورسوم لطيور محلّقة وأشجار؛ ولفت انتباهه تلك الجملة الغريبة: ستدخل شخصاً واحداً وتخرج عشرين.»
٢٩. «إذا عدنا قليلاً إلى الورا، وإلى ليلة الفطر بالتحديد، فسيتبين لنا أن...»
٣٠. «لكنها كانت أشدّ وأعنف من حرب الكلب الأولى، وأكثر اتساعاً بما لا يقاس من حوادث أيام الفطر التي لم تمكن أكثر من جرائم فردية.»

### 31. episode

٣٢. «هل في ذهنك حكاية محددة؟ سأله الدكتور. - حكاية الذي أحضرته زوجته و ابنته إلى مستشفى وهو يعاني من ذبحة قلبية...»

### منابع

- امامی، نصرالله و بهروز مهدی‌زاده‌فرد (۱۳۸۷). «روایت و دامنه زمانی روایت در قصه‌های مثنوی». *مجله ادب‌پژوهی*. دانشگاه گیلان. د. ۲. ش. ۵. صص ۱۲۹-۱۶۰.
- أحمد، مرشد (۲۰۰۵). *البنية والدلالة في روايات ابراهيم نصرالله*. بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: نشر فردا.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۸). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*. تهران: افراز.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲). *بوطیقای ساختارگرا*. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگه.
- تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). *درآمدی نقادانه - زبان‌شناختی بر روایت*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- پزشکی، محمدحسن (گردآورنده) (۱۳۷۷). *ویژه‌نامه روایت و ضدروایت*. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- جاهدجاه، عباس و لیلا رضایی (۱۳۹۰). «بررسی تداوم زمان روایت در حکایت‌های فرعی کلیله و دمنه». *مجله بوستان ادب*. دانشگاه شیراز. س ۳. ش ۳. صص ۲۸-۴۸.
- جنت، جیرارد (۱۹۹۷). *خطاب الرواية (بحث في المنهج)*. ترجمه محمد معتصم وآخرون. الطبعة الثانية. الرباط: المجلس الأعلى للثقافة، الهيئة العامة للمطابع الأميرية.
- حسن‌پور، هیوا (۱۳۹۶). «الگوهای برای بررسی سرعت روایت». *دوفصلنامه روایت‌شناسی*. س ۱. ش ۳. صص ۲۱-۴۰.
- داد، سیما (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چ ۴. تهران: مروارید.
- رجبی، زهرا، غلامحسین غلامحسین‌زاده و قدرت‌الله طاهری (۱۳۸۸). «بررسی رابطه زمان و تعلیق در روایت پادشاه و کنیزک». *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۲. صص ۷۵-۹۸.
- ریمون - کنان، شلومیت (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.



- فورستر، ای. ام. (۱۳۶۹). جنبه‌های رمان. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نگاه.
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی. تهران: فکر روز.
- مندنی‌پور، شهریار (۱۳۸۳). کتاب ارواح شهرزاد (تازه‌ها، شگردها و فرم‌های داستان‌های نو). تهران: ققنوس.
- مارتین، والاس (۱۳۸۲). نظریه‌های روایت. ترجمه محمد شهبان. تهران: هرمس.
- نصرالله، ابراهیم (۲۰۱۶). حرب الكلب الثانية. الدار العربية للعلوم ناشرون.
- یعقوب، ناصر (۲۰۰۱). الرؤیة والتشکیل (دراسة في فن فنّ جمال ناجي الراوي). بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۸۴). هنر داستان‌نویسی. ج ۸. تهران: نگاه.
- Ahmadi, B. (2001). *The Text-structure and textural interpretation* (in Farsi). Tehran: Nashr Markaz.
- Ahmed, M. (2005). *Structure and Significance in Ibrahim Nasrallah's Novels* (in Arabic). Beirut: Almasse Al-Arabia Lidderasat Va Annashr.
- Byniaz, F. (2009). *An Introduction to Fiction and Narrative Studies* (in Farsi). Tehran: Afraz.
- Dad, S. (2001). *Dictionary of Literary Terms* (in Farsi). Tehran: Morvarid.
- Emami, N. & Mehdizadeh, B. (2008). "Narrative and its time-span in Mathnavi anecdote". *Quartely Adab Pazhuhi of university of Gilan*. Vol. 2. No. 2. pp. 129-160.
- Forster, E.M. (1990). *Aspects of the novel* (translated into Farsi by Ibrahim Younesi). Tehran: Negah.
- Genette, G. (1980). *Narrative Discourse, And essay in method*. Jane E. Lewin (Tr.). Ithaca New York: Cornell University Press.
- \_\_\_\_\_ (1983). *Narrative Discourse*. New York: Cornell University Press.
- Genette, G. (1997). *Narrative discourse: An essay in method* (translated into Arabic by Mohammad Mutasim). Rebat: The Supreme Assembly for the Cultural Center, the General Assembly for the Emiriea.
- Hassanopour, H. (2017). "Models for analyzing narration pace". *Journal of Narrative studies*. Vol. 2. No. 3. pp. 21-40.
- Jahedjah, A. & Rezaie, L. (2011). "A Study of duration in episodes of Kelileh and Demneh". *Journal of Boostan Adab of Shiraz university*. Vol. 3. No. 9. pp. 28-48.
- Mandanipour, Sh. (2004). *Shahzad Ghosts: novels ways, techniques, and forms of new stories* (in Farsi). Tehran: Ghoghnoos.

- Martin, W. (2003). *Recent theories of narrative* (translated into Farsi by Mohammad Shahba). Tehran: Hermes.
- Miqdadi, B. (1999). *Dictionary of literary criticism terms* (in Farsi). Tehran: Fekr Rooz.
- Nasrullah, I. (2016). *The second war of the dog*. ??:Arab Scientific Publishers.
- Okhovat, A. (1992). *Grammar of story* (in Farsi). Isfahan: Farda
- Physician, M. (Ed.) (1998). *Special issue of narration and anti-narration* (in Farsi). Tehran: Farabi Cinema Foundation.
- Rajabi, Z., Gholam Hosseinzadeh, Gh., & Taheri, Gh. (2009). "Study of the relationship between time and suspension in the narration of the king and the maid". *Quarterly Pizhuhish-I Zaban va Adabiyat- Farsi*. Vol. 2. No. 12. pp. 75-98.
- Rimmon Kenan, Sh. (2008). *Narrative fiction: Contemporary poetics* (translated into Farsi by Abolfazl Horri). Tehran: Niloufar.
- Todorov, T. (2003). *Structuralist poetics. Mohammad Nabavi* (translated into Farsi by Mohammad Nabavi). Tehran: Agah.
- Toolan, M.J. (2001). *Narrative: A critical Linguistic Introduction*. 2<sup>nd</sup> Ed. London: Rutledge.
- \_\_\_\_\_ (2004). *Critical-linguistic introduction to narrative* (translated into Farsi by Abolfazl Horri). Tehran: Farabi Cinema Foundation.
- Yaqub, N. (2001). *Observation and formation: a study in the art of beauty of the savior of narration* (in Arabic). Beirut: Arab Foundation for Education and Publishing.
- Younesi, I. (2005). *The art of storytelling* (in Farsi). Tehran: Negah.

## Narration's Speed in the Novel *Harb Al-Kalb Al-Thaniyeh*

Fatemeh Akbarizadeh\*<sup>1</sup>, Rogaye Rostampour<sup>2</sup>, Mona Naeimi<sup>3</sup>

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.
3. MA in Arabic Language and Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 09/16/2019

Accepted: 01/19/2020

### Abstract

*Harb Al-Kalb Al-Thaniyeh*, written by Ibrahim Nasrollah, is a fictional novel in which the author criticizes the dictator and militant powers of the world. The time and place of the novel are not clear; however, the high frequency of the flashback/flashforward in the novel has made elements such as “time” and “narration pace” significant in the narration. The present study uses a descriptive-analytical method to measure the continuity of time and the narration pace of the novel based on Gérard Genette's theory of time. It also analyzes the factors affecting speed and narration pace. The findings show that the continuity and linearity of the narration is manipulated by the writer so far as the narration time is concerned. This changes the narration pace. It seems that the general pace of the narration is positive; because it covers a vast and ambiguous period of time from the first war to the second and also the third war. The novel employs deletion, condensation, and prediction to change the pace of narration. There are occasional uses of conversation to reduce the pace in order to reveal the hidden and deep layers of the story's characters to the readers. The pace is, moreover, reduced in order to add to the attractiveness and volume of the story, so far as the internal world of the characters is concerned, and make a context for the events. It also uses descriptive hesitation, flashback, and episode in order to make lapses in the narration pace.

**Keywords:** Contemporary Arabic novel; *Harb Al-Kalb Al-Thaniyeh*; Ibrahim Nasrollah; time of narration.

---

\* Corresponding Author's E-mail: f.akbarizadeh@alzahra.ac.ir

